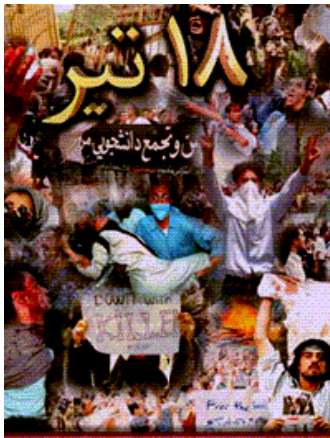


به مناسبت سالگرد ۱۸ تیرماه

گرامی باد خاطره نبرد دلیرانه دانشجویان با مزدوران ارتجاع



شماره ۷۱۶، دوره هشتم
سال بیستم، ۱۴ تیرماه ۱۳۸۴



با فرا رسیدن ۱۸ تیرماه ۱۳۸۴، شش سال از یورش مزدوران مسلح و نیمه مسلح و انصار ولی فقیه رژیم ارتجاع به کوی دانشگاه تهران و سپس دیگر دانشگاه‌های کشور می‌گذرد. شش سال پیش دانشجویان مبارز میهن ما در نبردی غیر عادلانه در مقابل کارگزاران استبداد ایستادند و پایبندی خود را به سنن خجسته و تاریخی جنبش دانشجویی اعلام کردند. شش سال پیش جنبش دانشجویی کشور در دفاع از حقوق و آزادی‌های دموکراتیک شهروندان و در اعتراض به بسته شدن روزنامه «سلام»، به دستور دادستان رژیم ولایت، به خیابان‌ها آمدند تا صدای اعتراض خود را به گوش مردم ایران و جهان برسانند. یورش وحشیانه مزدوران ارتجاع به کوی دانشگاه و ضرب و شتم و به قتل

ادامه در صفحه ۲

ارتجاع و عدالت اجتماعی از ادعا تا واقعیت

احمدی نژاد نماینده آن لایه‌های اجتماعی است که طی دو دهه اخیر با توسل به سرکوب و اختناق و بهره‌گیری از اهرم‌های حکومتی به ثروت‌های افسانه‌ای دست یافته‌اند و به رانت‌خواران و نوکیسه‌ها شهرت دارند؛ اینان به هیچ‌رو مدافع تأمین عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت نیستند، فقط از ناراضی‌های گسترده توده‌های محروم با اعلام شعارهای عوام‌فریبانه و دروغین سوء استفاده کرده و در پی تحکیم موقعیت خود هستند!

ارتجاع ایران با توسل به شعارهای عوام‌فریبانه و کاملاً بی‌پشتوانه و با تقلبی‌گسترده سرانجام بر کرسی ریاست جمهوری دست پیدا کرد؛ محمود احمدی‌نژاد نماینده واپس‌گرایان، اصلی‌ترین و عمده‌ترین شعارهای خود را تأمین برابری و عدالت اجتماعی عنوان کرد. بسیاری از تحلیل‌گران پس از پیروزی نامزد ارتجاع و جناح ذوب در ولایت خاطر نشان کردند که عمده آرای احمدی

ادامه در صفحه ۳

تجربه انتخابات ریاست جمهوری و مبارزه پیش‌رو

در ارزیابی روند انتخابات ۸۴ از جمله مسائلی که باید به آن توجه کرد سه نکته کلیدی زیرین است:

نخست آنکه ارتجاع حاکم توانست با بهره‌برداری از اختلاف در صفوف نیروهای اصلاح‌طلب، بر سر اتخاذ تاکتیک‌های انتخاباتی، با اتکاء به رأی خود در لایه‌های وابسته و متعهد به رژیم و بخش‌هایی از محرومان که حاضر به تکرار تجربه دهشتناک دولت رفسنجانی نبودند و همچنین با اتکاء به تقلبات گسترده انتخاباتی، از طریق شرکت مستقیم نیروهای سپاه و بسیج، نتیجه مطلوب را از صندوق‌های رأی بیرون آورد.

دوم آنکه در طول کارزار انتخاباتی نیروهای اصلاح‌طلب نتوانستند با درک خواست‌ها و مشکلات عظیمی که مردم محروم میهن ما با آن دست‌به‌گریبانند آنچه سیاست‌هایی را اتخاذ کنند که برد آن در دورن جامعه و خصوصاً در طیف وسیع ده‌ها میلیون شهروند محروم و زیر خط فقر کارایی داشته باشد. تمرکز کارزار انتخاباتی بر سیاست تحقق آزادی و دموکراسی که برد وسیعی در میان روشنفکران و بخش‌هایی از لایه‌های میانی دارد، نمی‌توانست از جذابیت لازم در میان محرومان جامعه که حتی از تأمین یک زندگی حداقل نیز عاجزند، برخوردار باشد.

ادامه در صفحه ۶

انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری ایران، با پیروزی محمود احمدی‌نژاد، نامزد مرتجعان حاکم به پایان رسید. روند مخدوش این انتخابات، که به گفته شماری از سران حکومتی یکی از پرتقلب‌ترین انتخابات دوران حکومت جمهوری اسلامی بوده است سرانجام، همان‌طور که حزب ما از ماه‌ها پیش درباره آن هشدار داده بود این امکان را برای سران رژیم ولایت فقیه فراهم کرد تا با حذف اصلاح‌طلبان حکومتی از قوه مجریه کشور برای نخستین بار در تاریخ ۲۶ ساله پس از انقلاب کنترل سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه را در انحصار کامل خود درآوردند. بررسی همه‌جانبه روند انتخابات ۸۴ هنوز بی‌شک نیازمند زمان بیشتر و بررسی همه‌جانبه‌تر حوادث و واقعیت‌هایی است که از اواخر سال گذشته، یعنی هنگام برگزاری انتخابات مجلس هفتم، آغاز شد و سرانجام در ۳ تیرماه ۱۳۸۴ به نتیجه مطلوب ارتجاع رسید. اگرچه هنوز بحث‌های پر حرارت زیادی در زمینه تاکتیک‌ها و سیاست‌های انتخاباتی گروه‌ها و احزاب گوناگون در جریان است ولی متأسفانه اکثر این بحث‌ها بیش از ارزیابی عینی مسایل به توجیه سیاست‌های اتخاذ شده و حمله به مخالفان اختصاص داشته و کمتر به مسایل و معضلات کنونی و بخرنجی حوادث پیش‌رو توجه دارد. ما در زمینه سیاست‌های اتخاذ شده از سوی حزبمان در شماره ۷۱۵ نامه مردم مفصلاً توضیح داده‌ایم و تکرار آن را ضروری نمی‌دانیم.

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

به مناسبت سالگرد ۱۸ تیر ماه ...

رساندن دانشجویان معترض نمایش روشنی از اعمال ضد انسانی انصار ولی فقیه بود و بار دیگر مویید این نظر بود که رژیم استبدادی حاکم برای حفظ خود آماده است تا به هر جنایتی دست یازد. لشکر کشی رژیم به دانشگاه های کشور و دستگیری صد ها دانشجوی مبارز، در نبود یک جنبش سراسری همبستگی با مبارزات دلیرانه دانشجویان، و در سایه سکوت سنگین و تأیید آمیز دولت اصلاحات نقطه عطف و ضربه بزرگی بر پیکر جنبش دانشجویی و روند مبارزات مردمی برای تحقق و گسترش روند اصلاحات در کشور بود. سران رژیم توانستند با بهره جویی از سکوت دولت خاتمی و نبود یک جنبش اعتراضی وسیع در حمایت از مبارزات دانشجویی، فعالان و کادرهای جنبش در دانشگاه های کشور را زیر ضربه قرار داده و دشواری های زیادی را برای ادامه مبارزه ایجاد کنند. ایجاد انشعاب در صفوف بخش سازمان یافته جنبش دانشجویی، دستگیری وسیع فعالان و کادرهای موثر، در کنار نظامی کردن بیش از پیش محیط دانشگاه ها، با بهره برداری از مزدوران «بسیج دانشجویی» جنبش دانشجویی کشور را با آزمونی دشوار روبه رو کرد.

امروز ما در شرایطی به استقبال گرمی داشت ۱۸ تیرماه می رویم که ارتجاع حاکم توانسته است با بهره برداری از ضعف سازمان دهی و گسست ها و اختلاف نظرها در صفوف نیروهای مدافع اصلاحات، در یک روند بی سابقه در طول حیات جمهوری اسلامی، محمود احمدی نژاد، نامزد رسمی تاریک اندیشان حاکم، بزرگ سرمایه داران بازار و محافل نظامی - انتظامی کشور را در یکی از پر تقلب ترین و مخدوش ترین انتخابات به عنوان رئیس جمهوری از صندوق های رأی بیرون آورد. نشستن نامزد مرتجعان بر کرسی ریاست جمهوری، در کنار کنترل این نیروها بر مجلس، قوه قضائیه و نیروهای نظامی و انتظامی وظایف دشوار و حساسی را در مقابل همه نیروهای اجتماعی و پیشرو جامعه ما قرار داده است. ضرورت اتحاد عمل نیروهای مترقی و آزادی خواه، توجه به اصل پیوند زدن مبارزات صنفی با مبارزات سیاسی برای طرد استبداد و مهم تر از همه ایجاد ساختارهای ضرور، یعنی جبهه واحد ضد استبداد، برای تنظیم و اجرای برنامه مشترک مبارزاتی از جمله وظایف مبرمی است که باید به آن توجه ویژه کرد. جنبش دانشجویی کشور باید و می تواند نقش مهمی را در این زمینه بر عهده بگیرد. مرتجعان حاکم بی شک با توجه به وضعیت پیش آمده تلاش خواهند کرد تا گام به گام عرصه مبارزه را تنگ تر کرده و به نیروهای مترقی و آزادی خواه اجازه سازماندهی و تشکل متحد را ندهند.

از هم اکنون نشانه های بسیار نگران کننده بی در زمینه احضار دانشجویان و تشدید فضای پلیسی در دانشگاه های کشور در دست است که باید با هوشیاری و سازمان دهی ضرور به مقابله با آن پرداخت. جنبش دانشجویی کشور تاریخی غنی و پر افتخار از پیکار بر ضد استبداد و رژیم های دیکتاتوری دارد. از ۱۶ آذر ۱۳۳۲ تا ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸، دانشجویان آگاه و مبارز میهن ما همواره در کنار سایر نیروهای اجتماعی برای تحقق آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی رزمیده اند.

باید با بهره گیری از تجربیات این تاریخ غنی گام های بعدی مبارزه را در شرایط دشوار کنونی سازماندهی کرد و راه را به سمت آینده بی رها از استبداد گشود.

ادامه نگرانی درباره آینده دموکراسی در عراق ...

دولت مرکزی نتوانند موفق شوند عراق بیشتر در ورطه ی درگیری های فرقه گرایانه و از هم پاشیدگی قومی و ناآرامی های مذهبی فرو رود. اللبان به نقش فعال امریکا در پشت پرده و ترفندهای زیرکانه این کشور اشاره کرد و فاش ساخت که نمایندگان دولت آمریکا با نیروهای به اصطلاح سنی از جمله هواداران رژیم سرنگون شده بعث، که مسئول خشونت های اخیر شناخته شده اند گفتگوهایی را آغاز کرده است. ایالت متحده امریکا تعامل بسیار نزدیکی با دولت کنونی عراق دارد. از نظر حزب کمونیست عراق، دولت کنونی گرایشات فرقه گرایانه را تشویق می کند و در جهت تثبیت حاکمیت فرقه ای بر باقیمانده دستگاه دولتی عراق تلاش می ورزد. حزب کمونیست همچنین این دولت را فاقد یک سیاست مشخص برای ارائه راه حل های مناسب برای برخورد به معضلات اقتصادی و اجتماعی جدی و مبرم کشور، به ویژه بیکاری و فساد فراگیر ارزیابی می کند. تاکنون، بخش عمده صنایع دولتی از جمله صنعت نفت که ۹۵ درصد درآمد دولت را تأمین می کند خصوصی سازی نشده اند. در گذشته، جدالهای سرنوشت سازی در «شورای حکمرانی» موقت برای متوقف ساختن برنامه خصوصی سازی مورد نظر آمریکا به ویژه در صنعت نفت انجام گرفته است. نیروهای مترقی با تکیه بر پشتیبانی توده های مردم و توازن قدرت، توانسته اند پیشبرد اهداف آمریکا و متحدینش را که از یکپارچه شدن مخالفین و دامن زدن به شرایط اجتماعی و اقتصادی هولناک کنونی واهمه دارند، ایستادگی کنند. امروز، وجود مجلس ملی و موضع دایمی عراق در مورد ملی و دولتی نگه داشتن ساختارهای تولیدی، موانعی در برابر فشار بانک جهانی و ایالات متحده آمریکا برای قطع یارانه به ۱۹۲ شرکت به شمار می روند. در عین حال، اختلاف های فرقه ای و گروهی ژرف و ادامه یابنده می توانند در اثر یک ریزش سیاسی، منابع عراق را تکه تکه کرده و در اختیار انحصارهای خارجی قرار دهد. به نظر می آید دموکراسی سیاسی تنها راه کار دموکراسی اقتصادی باشد. به گفته رفیق اللبان، در حال حاضر، بزرگترین خطر برای فعالیت و رشد نیروهای دموکراتیک در عراق، باقی ماندن سطح خشونت از سوی بعضی ها و گروه های بنیادگرا با کمک رسانی از خارج است. او تأکید کرد که کمونیست های عراقی خواهان خروج نیروهای امریکایی و دیگر نیروهای ائتلاف در نخستین فرصت مناسب و تنظیم برنامه دقیق مراحل آن هستند. عامل مهم، آماده سازی نیروهای عراقی برای حفظ امنیت با وفاداری به نهادهای منتخب عراقی و از بین رفتن نیروهای شبه نظامی است.

حزب کمونیست بشدت از تصمیم اتخاذ شده توسط نخست وزیر عراق، بدون مشورت با مجلس ملی، برای تصویب قطعنامه بی در شورای امنیت سازمان ملل متحد که هدفش تشکیل یک نیروی چندملیتی و اعزام آن به عراق است، انتقاد می کند. کمونیست های عراق همچنین مخالفت شدید خود را با تصمیم آمریکا در مورد بیکار کردن و اخراج افراد عادی نیروهای انتظامی و سربازان ارتش سابق عراق، و تحمل وضع موجود و کوتاهی در فراهم کردن وسایل ضروری برای نیروهای تازه آموزش دیده در دفاع از خود و بی اثر کردن فعالیت های ضد مردمی گروه های تروریست، اعلام کرده اند. طرح نوین قانون اساسی قرار است تا مرداد ماه (۱۵ اوت)، برای نظرخواهی همگانی آماده گردد. در این مدت، آمریکا قصد برگزاری کنفرانس هایی در سه استان کم نماینده در مجلس ملی، برای وسیع تر کردن کمیته نگارش دارد که چنین راه کاری در نهایت به انتصاب نماینده خواهد انجامد. کمونیست ها و هواداران شان تلاش دارند بجای به کارگیری معیارهای فرقه بی، به شکل مستقیم از نیروهای دموکراتیک، ملی گرایان عرب و اسلامی موجود در این استان ها، برای انتخاب نماینده استفاده شود. نگرانی بزرگ این است که گروههای اسلامی در دولت و حامیان شان بخواهند برای به عقب انداختن نظرخواهی تعیین شده برای ۱۵ اکتبر و طولانی کردن مدت باقی ماندنشان در دولت و استفاده از امکانات چنین جایگاهی برای در اختیار گرفتن کاملتر و دایمی تر دستگاه دولتی، به بهانه جویی از روند نگارش قانون اساسی متوسل شوند. کمونیست های عراق بر این باورند که نبرد برای تدوین قانون اساسی، از توانایی عظیمی برای بسیج نیروهای دموکراتیک در جامعه عراق و سپس حرکت بسوی پایان بخشیدن به فساد، دست یابی به استقلال کامل و حاکمیت ملی و ساختمان یک عراق دموکراتیک فدرال متحد، برخوردار است. آنها برای موفقیت خود به پشتیبانی، همدلی و یاری نیروهای مترقی سراسر جهان، نیاز دارند.

ادامه ارتجاع و عدالت اجتماعی ...

نژاد به توده های محروم و به ویژه فقرا و حاشیه نشینان شهرهای بزرگ نظیر تهران، تبریز، مشهد و اصفهان تعلق دارد.

به عنوان نمونه روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی درباره دوره دوم انتخابات نوشت: «سیاست های مردم گرایی (بخوان عوام فریبانه)، وعده های افزایش درآمدها و در عوض پایین آوردن قیمت ها و تعهد سپردن به مبارزه جدی و فراگیر با فساد، از عواملی بود که موفقیت محمود احمدی نژاد را برای جلب آرای انبوه مردم در استانهای محروم و مناطق جنوبی شهر تهران بدست آورد. . . حقیقت این است که نه فقط قشر فقیر مردم، بلکه طبقه متوسط جامعه هم به شدت از فساد دل زده شده اند.» در میان این تحلیل ها که بویژه در رسانه ای همگانی داخل کشور نیز به نحوی وسیع انعکاس داشته و دارد، جای مسأله یی اساسی کاملاً خالی است، و آن اینکه چرا چنین فقر گسترده و دلخراشی در جامعه ایران در ابتدای سده بیست و یکم وجود دارد و علت آن چیست؟! فقر با کمال تاسف، واقعیت تلخ میهن ماست، اما این همه ماجرا نیست؛ این فقر نتیجه مستقیم حضور و بقاء و تداوم رژیم ولایت فقیه و برنامه های اقتصادی - اجتماعی ضد مردمی آن است. دو دهه پس از حاکمیت رژیمی مدعی مساوات و وارستگی جامعه ایران با فقر سیاه دست به گریبان است. به فاصله چند روز پس از انتخاب احمدی نژاد و تمرکز همگان به روی فقر و مسأله خطیر عدالت اجتماعی، خبرگزاری ایسنا به تاریخ ۷ تیرماه سال جاری در گزارشی تحت عنوان «میلیون ها فقیر در انتظار توزیع عادلانه امکانات، فرصت ها و ثروت ملی از جمله نوشت: «خط فقر شهری ۲۴۰ تا ۲۵۰ هزار تومان و خط فقر روستایی ۱۴۰ تا ۱۵۰ هزار تومان است و این درحالی ست که امروزه ۱۰ میلیون نفر از جمعیت کشور زیر خط فقر به سر می برند.»

در همین گزارش درباره توزیع ناعادلانه ثروت چنین قید گردیده: «طبق برآوردها، درآمد دهک بالا و دهک پایین جامعه در سال ۱۳۸۳ حداقل ۱۷ برابر بوده است. این رقم زنگ خطری برای مسئولان است و باید برای کاهش آن در طول برنامه چهارم توسعه تلاش کرد. بعلاوه در این زمینه یکی از اعضای انجمن اقتصاددانان ایران به خبرگزاری ایسنا خاطرنشان کرده است: . . . با اجرای سه برنامه توسعه های در کشور هم چنان توزیع عادلانه ثروت صورت نگرفته است. . . بیش از ۱۰ میلیون نفر از جمعیت کشور زیر خط مطلق فقر و جمعیتی حدود ۲۰ میلیون در خط فقر نسبی قرار می گیرند.» در یکی از گزارش های سازمان ملل متحد که در سال ۲۰۰۳ میلادی انتشار یافت، جمعیت فقیر ایران (فقر به معنای شدید و مطلق آن) بیش از ۳ درصد تخمین زده شده است یعنی بیش از ۱ میلیون ایرانی حتی نمی توانند ۱ وعده غذا تهیه کنند! در سال گذشته وزارت کشور طی گزارشی به خاتمی در ارتباط با فقر تاکید کرده بود: «خط فقر نسبی، هر ساله افزایش می یابد، هر ساله فقط در تهران سالانه ۱۰ هزار نفر متکدی و کارتن خواب با بودجه ای معادل ۶۲ میلیارد ریال اعتبار ساماندهی می شوند.»

یکی از مسئولان رژیم یعنی معاون دفتر کل فقر و سیاست جبرانی دولت جمهوری اسلامی از افزایش شدید فقرا ابراز نگرانی کرده و یادآور می شود جمعیتی معادل ۲۰ درصد مردم کشور در فقر نسبی بسر می بندند. میلیون تن از کارگران و زحمتکشان، آموزگاران و بازنشستگان و کارمندان رده پایین بخش دولتی و خصوصی جمعیت فقرا را تشکیل می دهند. رییس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی در گفتگویی با خبرگزاری ایسنا عنوان می سازد که: «حدود ۱ میلیون و ۵۰ هزار بازنشسته تامین اجتماعی در کشور وجود دارد که بیش از ۸۰ درصد آنان با دریافت حداقل دستمزد تعیین شده در زیر خط فقر بسر می برند.» از دیگر سو، رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور می گوید:

«حداقل دستمزد کارکنان دولت در سال ۱۳۸۴، ۱۱۷ هزار تومان است و این به معنی زندگی زیر خط فقر می باشد. در این خصوص خبرگزاری های وابسته به رژیم در فردای انتخابات ریاست جمهوری در تحلیل علل کامیابی احمدی نژاد نوشتند که، بازنشستگان، معلمان، کارگران، کارمندان و پزشکان جوان در سال های اخیر به علت بالا رفتن هزینه زندگی به محدوده فقرا رسیده اند.»

وزیر مسکن در مصاحبه ای با خبرگزاری ایلنا درباره گسترش فقر و حاشیه نشینی که به مرکز زندگی توده های محروم بدل شده، می گوید: «در حال حاضر، یک هشتم جمعیت کشور را حاشیه نشین ها تشکیل می دهند که سه چهارم این افراد در ۱۰ شهر بزرگ ساکن هستند. حاشیه نشینان گروه هایی هستند که از کمترین کیفیت زندگی برخوردار هستند و عامل اصلی تولید بیماری های مسری اند. . . حدود ۶ میلیون نفر از حاشیه نشین ها در ۱۰ شهر بزرگ زندگی می کنند و اگر توجه جدی به آن ها نشود، در ۱۰ سال آینده جمعیت حاشیه نشین ها ۲ تا ۳ برابر خواهد شد.»

واقعیت این است که وضعیت اسف بار کنونی منعکس شده در آمار و ارقام بالا محصول سیاست های ضد ملی رژیم ولایت فقیه است. سیاست های و برنامه هایی که اتفاقاً با حضور محمود احمدی نژاد ادامه خواهد یافت. برای اثبات این ادعا، کافی است به سخنان وی در اولین مصاحبه مطبوعاتی مراجعه کنیم. او در بخش پاسخ به پرسش های مربوط به برنامه ها و سیاست های اقتصادی همان سخنانی را برزبان آورده است که رفسنجانی و خاتمی طی دوران ریاست خود اعلام کرده بودند، (صرف نظر از برخی تفاوت ها که وجود دارد) روزنامه دنیای اقتصاد به تاریخ ۶ تیرماه امسال مواضع اعلام شده احمدی نژاد در مصاحبه با خبرنگاران داخلی و خارجی را به این ترتیب درج کرد: «برنامه بنده رفع موانع سرمایه گذاری خارجی است. . . به همین دلیل از بازار بورس با قوت حمایت خواهم کرد، یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی ایران توسعه سرمایه گذاری خارجی می باشد.» وی سپس ادامه می دهد: «با صالح روش ها و مقررات اداری، امنیت برای حضور بیشتر سرمایه گذاران فراهم خواهد شد، بهترین روش را در واگذاری سهام شرکت های دولتی به مردم (بخوان دلالان و بازاریان) انتخاب خواهم کرد، کوچک سازی دولت و بوروکراسی حاکم بر آن را با اعطای نقش به مردم برای شریک شدن در اقتصاد از برنامه های مهم است، سیاست های پولی و مالی دولت باید حمایت از سرمایه گذاری مردم (بخوان بازاریان و رانت خواران) باشد.»

نکته پراهمیت اینجاست که با وجود شعارهای عوام فریبانه در راستای توزیع عادلانه ثروت و عدالت اجتماعی، اولین تشکیلاتی که رسماً به احمدی نژاد تبریک گفت و از برنامه های اقتصادی او اعلام حمایت کرد، لانه ارتجاع و سرمایه داری تجاری ایران، یعنی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن بود. این اتاق که خاموشی ها، عسکروالادی ها و نظایر این افراد بر آن تسلط دارند طی بیانیه یی که در روزنامه دنیای اقتصاد به تاریخ ۶ تیرماه انتشار یافت، اعلام کرد: «از برنامه های اقتصادی ریاست جمهوری آینده حمایت و ابراز خرسندی می نمایم و از برنامه هایی که در راستای حرکت در مسیر برنامه چشم انداز ۲۰ ساله، اجرای سیاست های اصلاحی اصل ۴۴ قانون اساسی و لغو انحصار دولتی و تقویت خصوصی سازی، تقویت فعالیت بورس، تجدید نظر در اداره امور بانک ها (خصوصی سازی بانک ها) و . . . باشد حمایت می کنیم.»

به این ترتیب احمدی نژاد برخلاف وعده های انتخاباتی که توأم با شعارهای بی پشتوانه و صرفاً عوام فریبانه بود، باید برنامه هایی را در دوران ریاست خود به مورد اجرا بگذارد که آن برنامه ها تاکنون فاجعه آمیز و در جهت افزایش شکاف طبقاتی بوده است.

ما صراحتاً اعلام می کنیم، احمدی نژاد مدافع عدالت اجتماعی نیست، معرفی او به عنوان مدافع عدالت آنچنان که در سر مقاله روزنامه شرق به تاریخ ۵ تیرماه عنوان شده، کاملاً نادرست و غیر حقیقی است؛ او متعلق به لایه های انگلی جامعه است که به ثروت های بادآورده از راه های غیرقانونی رسیده اند و اینک در پی تامین منافع و تحکیم موقعیت خود در شرایط نوین هستند.

مبارزه بر ضد خصوصی سازی و برای تامین امنیت شغلی

روزهای داغ انتخاباتی که احمدی نژاد شعارهای عوام فریبانه سر داده بود، اعتصاب کارگران و کارمندان دلیر مجتمع مس شهید باهنر در استان کرمان، رژیم را به هراس افکند. بیش از ۱۵۰۰ زحمتکش که پیشاپیش آنها کارگران قرار داشتند به مدت ۳ روز دست از کار کشیده و علاوه بر تحصن به اعتصاب غذا دست زدند. مخالفت با خصوصی سازی که منجر به اخراج های گسترده در صنایع و معادن مس سرچشمه می شود بعلاوه رسیدگی به دستمزد اضافه کاری، بهداشت محیط کار و بهبود وضعیت غذاخوری کارگران از جمله خواست های این حرکت اعتراضی بود.

خبرگزاری ایسنا در گزارش دیگری خبر از تجمع اعتراضی هزاران کارگر پیمانی صنعت نفت آبادان داد که خواست اصلی آنها، لغو قراردادهای موقت و جلوگیری از خصوصی سازی در صنایع نفت بود. در اقدامی دیگر، خبرگزاری کار، ایلنا گزارش داد، گروه زیادی از کارکنان سازمان توسعه راه های ایران، در اعتراض به عملکرد غیرقانونی مدیر عامل این سازمان و بی تفاوتی مقامات ارشد وزارت راه و ترابری در مقابل ساختمان شهید دادمان وزارت راه و ترابری تجمع کردند. نماینده کارگران و کارمندان اعتصابی به خبرنگاران یادآور گردید: ... طی ۲ دوره ۸ ساله مدیریت سازمان توسعه راه های ایران، با رفتار تبعیض آمیز خود باعث اخراج مهندسان و کارشناسان و کارگران ماهر بسیاری شده است، بیش از ۲ هزار پرسنل استخدامی در سازمان مذکور، تاکنون از مزایای طرح طبقه بندی مشاغل و گروه بندی اداری و پرداخت به موقع دستمزدها خبری نیست.

در تاریخ ۷ تیرماه امسال، کارگران شرکت ایران خودرو دیزل دست از کار کشیده و اعلام اعتصاب کردند. به دنبال توقف خط تولید اتومبیل پیکان، مدیریت این شرکت ۱۰۰ تن از کارگران را از کار اخراج کرد. کارگران با اعتصاب، اکثر بخش های تولیدی کارخانه را فلج ساختند. اجرای برنامه تعدیل نیروی انسانی یعنی اخراج های گسترده به نام نوسازی صنایع و خصوصی سازی ابعادی وحشتناک به خود گرفته است. در اوایل تیر ماه، ۸۰ کارگر شرکت سپهر الکترونیک واقع در قزوین از کار اخراج شدند و این مساله منجر به اعتصاب و تجمع آنها شد.

در واقع با شتاب بخشیدن به برنامه خصوصی سازی و اصلاح اصل ۴۴ قانون اساسی که باعث ژرفش خصوصی سازی و در نتیجه نابودی امنیت شغلی هزاران زحمتکش می گردد، مبارزه جنبش کارگری اوج دوباره ای یافته است. این مبارزه با توجه به تحولات سیاسی کشور و تسلط ارتجاع بر مقام ریاست جمهوری ابعادی وسیع تر از گذشته خواهد یافت. طبقه کارگر ایران در این مبارزه هم برای تامین منافع خود می رزمند و هم در راستای ژرفش جنبش سراسری دمکراتیک و آزادیخواهانه حرکت می کنند.

مبارزات اعتراضی اخیر بویژه در مس سرچشمه و صنعت نفت آبادان علاوه بر جنبه صنفی رفاهی دارای ماهیت سیاسی روشن است. این مبارزه سمت گیری اقتصادی اجتماعی رژیم ولایت فقیه را که در ۴ سال آینده باید مزدور گوش بفرمان ارتجاع، احمد نژاد اجرای آن را به دست بگیرد، نشانه رفته است؛ لذا از اهمیت جدی برخوردار می باشد و باید با سازمان دهی مناسب توان آن را افزایش داد.

مبارزات اعتراضی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان بر ضد برنامه خصوصی سازی به ویژه پس از ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی ولی فقیه به سران سه قوه و رییس مجمع تشخیص مصلحت، نشانگر عزم جدی زحمتکشان در برهه کنونی است، این مبارزه ای است که هر دو عرصه صنفی- رفاهی و سیاسی را دربر می گیرد و باید به نحو مطلوبی سازماندهی شود!

در اوایل خرداد ماه سال جاری و درست در آستانه انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری و به فاصله اندکی پس از پذیرش تقاضای ایران برای عضویت در سازمان تجارت جهانی سید علی خامنه ای ولی فقیه، برنامه ای را که اصلاح اصل ۴۴ قانون اساسی بود، تحت عنوان سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به سران رژیم ابلاغ کرد. در متن ابلاغیه خامنه ای که روزنامه دنیای اقتصاد، ۳ خرداد ماه، آن را منتشر ساخته از جمله قید شده است: «اجرای این سیاست ها، (بخوان خصوصی سازی گسترده) مستلزم تصویب قوانین جدید و بعضاً تغییراتی در قوانین موجود است.»

به فاصله چهار روز پس از این ابلاغیه، هدایت آقایی معاون معدنی وزیر صنایع و معادن در گفتگو با خبرنگار بخش صنعت خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) اعلام داشت: «با ابلاغ اصل ۴۴ قانون اساسی کار واگذاری معادن بزرگ به بخش خصوصی نیمه دوم سال جاری آغاز خواهد شد. . . با این ابلاغیه دست دولت برای واگذاری واحدهای بزرگ معدنی باز گذاشته شده و هیچ محدودیتی در واگذاری بخش های دولتی وجود ندارد و معادن بزرگ مانند مس سرچشمه روی انگوران و معادن بزرگ مس، سنگ آهن و ذغال سنگ کرمان قابل واگذاری اند.»

علاوه بر این، قائم مقام مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران در تاریخ اول تیرماه سال جاری خورشیدی در جریان سخنرانی در سومین همایش تیلور و توسعه شرکت عملیات اکتشاف نفت اعلام داشت: . . . بسیاری از کارهای صنعت نفت به بخش خصوصی واگذار خواهد شد، پس از پیروزی انقلاب و خروج پیمانکاران خارجی از صنعت نفت ایران، تقریباً تمام کارها توسط شرکت ملی نفت انجام می شود که این موضوع منجر به سنگینی و انعطاف ناپذیری (!!!) شرکت ملی نفت شده و بنابراین با توانمند شدن شرکت های خصوصی، بسیاری از کارهای این صنعت به آنها واگذار خواهد شد. . .

خصوصی سازی گسترده با اصلاح اصل ۴۴ که شامل صنایع کلیدی و مادر کشور نیز می شود، در درجه اول ضمن اینکه به اقتصاد ملی زیان وارد می سازد، امنیت شغلی و آینده کارگران و کارمندان و متخصصان این صنایع را مورد تهدید قرار می دهد. از هم اکنون برنامه تعدیل نیروی انسانی یعنی اخراج های گسترده در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و نیز صنعت مس تدوین شده و قرار است در دولت احمدی نژاد با توجه به پابندی او و یارانش به برنامه های اصلاح ساختار اقتصادی به مورد اجرا گذاشته شود.

واکنش زحمتکشان به این برنامه ها سریع و قاطع بود. در همان

نگرانی در رابطه با آینده دموکراسی در عراق

کارزار با اهمیت نیروهای سیاسی برای تدوین و شکل دهی به قانون اساسی دائمی عراق از ماه ها پیش آغاز شده است. نیروهای دموکراتیک عراق با درک اهمیت استراتژیک این سند تاریخی، کارزار همه جانبه ای برای اطمینان بخشیدن از محتوای دموکراتیک و پیشروی این سند آغاز کرده اند. رفیق محمد جاسم اللبان، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست عراق که اخیراً برای شرکت و سخنرانی در نشست نیروهای دموکرات و مترقی عراقی، بعنوان بخشی از سیاست حزب برای تشکیل یک ائتلاف وسیع جهت پشتیبانی از یک قانون اساسی دموکراتیک به لندن آمده بود، در مصاحبه ای با نشریه مترقی «مورنینگ استار» گوشه هایی با اهمیت از این کارزار را باز شکافت.

در این مصاحبه رفیق اللبان نگرانی های حزب کمونیست را در شرایط مبارزه جناح ها برای کنترل قدرت مورد توجه قرار داد. عضو رهبری حزب کمونیست عراق تصریح کرد که: «در چند ماه آینده، مردم عراق با یک چالش کلیدی روبرو خواهند شد. و آن چالش این است که آیا عراق در آینده به یک کارپایه قانونی برای دموکراسی و حقوق مدنی دسترسی خواهد یافت یا خیر». عراقی ها شش ماه پس از انتخابات مجلس ملی انتقالی، ۳۰ ژانویه، و در حالی که هنوز کشور تحت اشغال نظامی است کار تدوین قانون اساسی دائم نوین را آغاز کرده اند. این قانون قرار است در مهر ماه (اکتبر) به نظرخواهی عمومی گذاشته شود. پرسش مهم آن است آیا این قانون اساسی مفاد مربوط به دموکراسی و فدرالیسم گنجانده شده در قانون اساسی موقت سال ۲۰۰۴ را دربر خواهد گرفت؟

از سوی گروه های اسلامی تندرو فشار زیادی اعمال می شود که قانون اساسی نوین تنها از قوانین اسلامی یا به عنوان منبع اصلی تبعیت نماید. در چنین صورتی، این قانون اساسی به دستاویزی برای حاکمیت فرقه ای منجر خواهد شد.

رفیق اللبان که عضو پیشین مجلس ملی موقت بود، مطرح کرد که با وجود شمار اندک نمایندگان حزب کمونیست عراق، در مجلس کنونی، کمونیست ها نقش محوری را در روند تدوین و طراحی قانون اساسی ایفا می کنند. حمید معجید موسی، رهبر حزب کمونیست عراق، از اعضای منتخب در مجلس، در کمیته سه نفره ای که مسئولیت تهیه اصول طرح اولیه قانون اساسی است عضویت دارد. عضو دوم این کمیته، نماینده لیست کردستان، و نفر سوم نماینده حزب اسلامی الدعوه است.

این طرح اولیه باید به کمیته ۵۵ نفره طراحان ارایه گردد و در این کمیته است که مبارزه آغاز می شود. توافق شده است که این کمیته باید با دربر گرفتن نیروهایی که به دلیل محدودیت ها و کاستی های انتخابات ژانویه نتوانسته اند نماینده ای در مجلس داشته باشند وسیع تر گردد. سؤال این است که این کمیته چگونه باید وسیع تر شود.

رفیق اللبان نیروهایی را که از یک پیامد دموکراتیک پشتیبانی می کنند چنین طبقه بندی می کند: «ملی گرایان عرب و کرد، حزب دموکراتیک ملی عراق، جنبش سوسیالیستی پیرو عرب و حزب اسلامی عراق، که اعضای آن عمدتاً سنی اند و از شرکت در انتخابات گذشته به دلیل مشکلات امنیتی خودداری کردند. افزون بر این، نیروهای دموکراتیک توده ای که شامل اتحادیه های کارگری، جنبش زنان و مسلمانان میانه رو و روشن بین سنی و شیعه هستند، نیز وجود دارند. در مقابل این جریان، باید اکنون از آرایش نیروهای قدرتمندی مانند حزب الدعوه متعلق به نخست وزیر، الجعفری، و «کنگره ملی عراق» احمد چلبی که هر دو جزو ائتلاف اتحاد اسلامی بوده و نهایتاً از سوی آیت الله علی سیستانی پشتیبانی می شوند و نیز گروه های شیعه بنیادگرا شامل بخش هایی از «جنبش صدر» که پشتیبان مقتدا الصدر هستند، نام برد. این نیروها هم اکنون مخالفت خود را با برقراری فدرالیسم در کردستان عراق (منطقه ای در شمال عراق که سه ایالت با جمعیت ۵ میلیون نفر کرد و دیگر ملیت ها را در برمی گیرد)، اعلام کرده اند. آنها پیشنهاد کرده اند که گزینه دیگری بنام فدرالیسم اداری، برای کل عراق در نظر گرفته شود. حزب کمونیست عراق همواره از فدرالیسم در چارچوب سیاسی و ملی برای کردستان عراق به سان راه یافتی صلح جوینانه برای مسئله کردها که تحقق آن از زمان تأسیس کشور عراق بعد از جنگ جهانی اول بدلالی تا کنون انجام نیافته پشتیبانی کرده است. حزب همچنین از مرکززدایی اداری به سان کارپایه ای برای مناسبات بین دولت و ایالتها با تفویض قدرت بیشتر به ایالتها برای اداره امور خود پشتیبانی می نماید.

رفیق اللبان گفت خطر این وجود دارد که اگر نیروهای دموکراتیک و هواداران یک

غرفه «نامه مردم» در جشن روزنامه «عصر ما» ارگان حزب کمونیست آلمان

در طول روزهای ۲۴ تا ۲۶ ماه ژوئن (۴ تا ۶ تیرماه) جشن مطبوعاتی «عصر ما» روزنامه ارگان حزب کمونیست آلمان در پارک بزرگ شهر دورتموند، برگزار گردید. این جشن هر دو سال یکبار برگزار می شود و این بار نیز برای چهاردهمین بار متوالی میعادگاه هزاران تن از کمونیست ها و نیروهای چپ و دمکرات آلمان فدرال بود. بنابر گزارش رسانه های گروهی این کشور، این فستیوال مطبوعاتی، بزرگترین جشن مردمی نیروهای چپ در آلمان فدرال محسوب می شود.

در سایه مبارزه مشترک و واحد نیروهای مترقی و آزادی خواه جهان، هریک از روزهای جشن به یک موضوع ویژه اختصاص داشت: روز نخست زیر عنوان همبستگی بین المللی با کمونیست ها و خلق های جهان قرار داشت. روز دوم، برضد بیکاری و در راه دفاع از صلح و علیه سیاست جنگ افروزی امپریالیسم بود، و روز پایانی به مبارزه با نولیبرالیسم و گسترش سیاست های نژادپرستی و نوفاشیستی در برخی از کشورهای اروپایی اختصاص داشت.

در این فستیوال بزرگ کمونیست های آلمان، همبستگی بین المللی با پیکار خلق های جهان به خصوص با احزاب کمونیست و نیروهای ترقی خواه کشورهای آسیا، آفریقا و



آمریکای لاتین، جای ویژه ای دارد. به همین خاطر نیز طبق سنت هر ساله، به ابتکار حزب کمونیست آلمان، بسیاری از احزاب کمونیست و کارگری جهان به این جشن دعوت شده بودند. اکثر احزاب شرکت کننده غرفه های مطبوعاتی روزنامه ارگان خود را برپا کرده بودند.

حضور بیش از ۲۲ هیئت نمایندگی از احزاب کمونیست کشورهای مختلف و برگزاری دیدارها و سخنرانی ها پیرامون موضوعات گوناگون، به این فستیوال جلوه پر اهمیتی داده بود. حزب توده ایران نیز دارای غرفه مطبوعاتی «نامه مردم» روزنامه ارگان مرکزی خود بود. رفقای توده ای از همان روز آغاز جشن، با برپایی میز اطلاعاتی و کتب و نشریات حزبی به عرضه مطبوعات حزب توده ایران پرداخته و به توضیح نقطه نظرات و دیدگاه های حزب پیرامون مسایل مختلف در بین علاقه مندان و مراجعه کنندگان خارجی و هم چنین دسته ای از

ادامه تجربه انتخابات ریاست جمهوری ...

است، نیازمند اتخاذ سیاست های مردمی و طولانی مدت و مهم تر از آن تلاش سیاسی آگاهانه برای تقسیم عادلانه ثروت در جامعه است، اصلی که اساس آن در تضادی جدی با سیاست ها و خواست های رژیم استبدادی حاکم قرار دارد. انتخابات ریاست جمهوری ۸۴، درس دردناک و تلخی برای همه نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور است. انتخاب احمدی نژاد ضربه ای است به جنبش مردمی و روند اصلاحات که باید سریعاً در جهت خنثی کردن آن تلاش و مبارزه کرد. این امر نیز میسر نیست جز با تلاش منسجم در راه بنا کردن جبهه پی وسیع از همه نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور. حزب توده ایران در این شرایط حساس و مهم بار دیگر آمادگی خود را برای همکاری و اتحاد عمل با همه نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور در راه نبرد بر ضد رژیم استبدادی حاکم اعلام می کند و امیدوار است که این روند پر اهمیت با تلاش همه ما به سرانجام شایسته پی ی رسد.

ادامه غرغه «نامه مردم» ...

هموطنان که در جشن حضور داشتند و به غرغه حزب سر می زدند، پرداختند. از آن جا که برپایی این جشن مصادف بود با برگزاری دور دوم انتخابات ریاست جمهوری در ایران، احزاب و نیروهای مترقی خواهان کسب اطلاعات بیشتر از اوضاع میهن ما و آگاهی از دیدگاه های حزب ما پیرامون حوادث جاری در ایران بودند. افراد زیادی با مراجعه به غرغه حزب، خواهان آشنایی و دریافت مواضع حزب توده ایران بودند. در غرغه «نامه مردم» در کنار عرضه کتب و نشریات حزب به زبان فارسی و کار انتفاعی، ده ها نسخه از آخرین اعلامیه حزب مربوط به انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری (اعلامیه شماره ۵) به زبان آلمانی و توده نیز به زبان انگلیسی و هم چنین فشرده ای از برنامه حزب توده ایران (مصوب کنگره پنجم) که به زبان آلمانی ترجمه شده بود، توزیع گردید. در زمینه تبلیغ گسترده نظرات حزب، لازم به یادآوری است که قبل از فستیوال به ابتکار رفقای توده ای، آخرین اعلامیه حزب مربوط به انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری مبنی بر «تن دادن به برنامه کودتاجیان راه مقابله با خطر «فاشیسم مذهبی» در ایران نیست» در روزنامه سراسری «دنایای جوان» که پرتیراژترین روزنامه چپ آلمان است، به چاپ رسیده بود. انتشار این مطلب مورد توجه خوانندگان زیادی قرار گرفته بود. تعدادی از شرکت کنندگان خارجی با در دست داشتن این روزنامه، با مراجعه به غرغه حزب، خواهان اطلاعات بیشتری از مبارزه مردم ایران و هم چنین پیکار حزب توده ایران بودند.

از دیگر نکات مهم این جشن مطبوعاتی، می توان به صدور اعلامیه مشترک احزاب کمونیست حاضر در محکومیت قتل «جورج حاوی» دبیر کل سابق حزب کمونیست لبنان اشاره کرد، که طی مراسمی به امضاء همه احزاب کمونیست حاضر در فستیوال رسید. هیئت نمایندگی حزب کمونیست لبنان در جلسه مشترک احزاب کمونیست حاضر در جشن، طی گزارشی، به اطلاع احزاب شرکت کننده رساند که در روز ۲۱ ژوئن رفیق «جورج حاوی» بر اثر یک بمب گذاری در بیروت به قتل رسیده است. قتل رفیق جورج حاوی در ادامه یک رشته از سوءقصد های توطئه گرانه علیه شخصیت های دموکرات لبنان صورت گرفت. در این نوع ترورها دست ارتجاعی ترین نیروها که نمی خواهند آرامش و ثبات در لبنان برقرار باشد، دیده می شود. بیش از ۲۲ حزب کمونیست از جمله حزب توده ایران طی اعلامیه مطبوعاتی مشترکی ضمن تسلیم به حزب کمونیست لبنان، این اقدام تروریستی و جنایت کارانه را که هدفش ایجاد بحران و جنگ داخلی در لبنان است، به شدت محکوم کردند.

عصر روز یکشنبه ۲۶ ژوئن، چهاردهمین فستیوال مطبوعاتی روزنامه «عصر ما» پس از سه روز تلاش و تجدید همبستگی بین المللی احزاب کمونیست و کارگری و هزاران نفر از مردم مترقی آلمان با مبارزه و پیکار نیروهای ترقی خواه و مترقی چهار گوشه جهان به پایان رسید.

سوم آنکه بخشی از کارزار انتخاباتی اصلاح طلبان حکومتی دفاع از کارنامه هشت ساله دولت خاتمی، به عنوان دولت اصلاحات بود، که به دلیل ادامه سیاست های مخرب اقتصادی - اجتماعی دولت رفسنجانی (در عمده ترین خطوط) نتوانسته بود در زمینه پاسخگویی به خواست توده های محروم و زحمتکش میهن ما گام موثری بردارد. کارنامه ضعیف دولت خاتمی و سیاست های بیش از پیش سازشکارانه آن با ارتجاع حاکم، خصوصاً در ماه های پیش از انتخابات، بی شک نقش موثری در بی اعتمادی بخش های وسیعی از نیروهای اجتماعی، خصوصاً طیف دانشجویان به اصلاح طلبان حکومتی داشت و آنان را از صحنه مبارزه فعال در جریان انتخابات دور کرد. با توجه به مجموعه مسایل ذکر شد مسأله اساسی پی که اینک در برابر جنبش مترقی و آزادی خواهی کشور قرار دارد این است که چگونه می توان با درس آموزی از تجربیات هشت سال گذشته راه مبارزه آینده را هموار کرد. یکی از تحولات مثبت در جریان انتخابات ریاست جمهوری، طرح ضرورت ایجاد یک جبهه وسیع برای دموکراسی و حقوق بشر بود. استقبال از این نظر در طیف گسترده نیروهای سیاسی و همچنین بخش هایی از نیروهای اجتماعی این طلیعه را پدید آورد که بتوان گام های مطمئنی را در راه استحکام و سازمان دهی چنین جبهه پی برداشت. کار آغاز شده در جریان کارزار انتخاباتی را باید با پیگیری و اصولیت دنبال کرد و با دیدی دموکراتیک و در بر گیرنده همه نیروهای ترقی خواه و ضد استبداد کشور شرایط را برای پدید آوردن یک جبهه سیاسی مبارز و نیرومند آماده کرد. بی شک ارتجاع حاکم تلاش خواهد کرد با همه امکانات خود سد راه تحقق چنین مهمی شود. ارتجاع با احساس خطر جدی که در ماه های گذشته حیات آن را به شکلی جدی پی تهدید می کرد مترصد است که با آرام کردن اوضاع سیاسی و برخی اقدام های اجتماعی شرایط لازم را برای تثبیت خود فراهم آورد. آنچه مسلم است این است که مرتجعان حاکم، که از نظر طبقاتی نماینده کلان سرمایه داری تجاری و سرمایه داری بوروکراتیک و انگلی ایران هستند، در دراز مدت نه قادرند و نه خواهان ایجاد عدالت اجتماعی و سیاسی در جامعه ما هستند. به عبارت دیگر همه آن مسایل و معضلاتی که تضاد و بحران در جامعه ما را در سال های اخیر تشدید کرده بود همچنان ادامه خواهد یافت. رژیم ولایت فقیه همچنان که تاریخ بیش از دو دهه اخیر اثبات کرده است خود دلیل اصلی بحران و سد اساسی هر گونه پیشرفت جامعه ما به جلو است. این تضاد با انتخاب احمدی نژاد و یکدست شدن حاکمیت سیاسی قاعدتاً بیش از پیش تشدید خواهد شد تصور اینکه کسانی همچون مصباح یزدی ها عسگر اولادی ها، خاموشی ها، رضایی ها، فرماندهان سپاه و بسیج و وابستگان به سران ارتجاع در زیر سیاست های خانمان برانداز رژیم ولایت فقیه به ثروت های افسانه ای رسیده اند و ستون های اساسی مافیای اقتصادی کشور را تشکیل می دهند و همه شریان های اصلی اقتصادی کشور را در کنترل خویش دارند قرار است به شکلی معجزه آسا سیاست هایی را اتخاذ کنند که در نفی مشی و روش اتخاذ شده در بیست سال گذشته باشد و پاسخگوی نیازهای جامعه ما و ده ها میلیون محرومی باشد، که در زیر چرخ اقتصاد سرمایه داری بیمار کشور له و لورده می شوند، تنها توهمی است که برخی از سران ارتجاع و دستگاه های تبلیغاتی آن نیز تلاش می کنند به آن دامن زده و مردم را با شعارهای تو خالی فریب دهند.

واقعیت این است که تنها با تقسیم کوتاه مدت پول و یا برخی امکانات محدود در جامعه نمی توان کوه معضلات اجتماعی - اقتصادی کشور را برطرف کرد. حل معضل عظیم میلیون ها بیکار و میلیون ها نفر زیر خط فقر، در حالی که زیر ساختار تولیدی کشور و تولیدات داخلی به دلیل سیاست های مخرب و نادرست سال های اخیر مرتباً سیر قهقراپی را پیموده

ادامه بیابید فقر را به تاریخ بسپاریم ...

کلامی در باره ریشه فقر، عقب ماندگ و وابستگی!

کشورهای فقر زده آفریقا عملاً به دلیل نابودی اقتصادهای بومی شان، شرایط غیرعادلانه تجارت جهانی که صدور کالاهای تولیدی آن ها را نامقرون به صرفه می کند و بدهی کمر شکن که پرداخت اصل و فرع آن هیچ منبعی برای تامین نیازهای تولید بومی باقی نمی گذارد، از زمان کسب استقلال سیاسی در یک دور باطل قرض و بدهی بیشتر گرفتار بوده اند.

واقعیت اینست که فقر روز افزون و افزایش مرگ و میر در میان مردم کشورهای آفریقایی و به ورشکستگی کشیده شدن اقتصاد این کشورها، که آنها را از باز پرداخت بهره ی بدهی خود باز داشته است، سبب گردیده تا نابسامانی جدی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر این کشورها حاکم شود. نابسامانی که علاوه بر از بین بردن رشد اقتصادی این کشورها، شرایط باز سازی اقتصادی برای آنها را نیز تقریباً غیر ممکن ساخته و در نتیجه منجر به یک فاجعه انسانی در این کشورها شده است. فاجعه انسانی که مسبب اصلی آنها استعمار قدیم و نو استعمار و کشورهای پیشرفته صنعتی و اهرم های فشار های اقتصادی و سیاسی آنها، چون صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی هستند. برخی از این کشورها تحت فشار سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به آنچنان شرایطی رسیده اند که به دلیل ضعف اقتصادی، حتی قادر به تامین کم ترین و ضروری ترین مایحتاج شهروندان خود نیستند. کشورهایی که به دلیل جنگ های داخلی معلول ارثیه شوم عقب ماندگی و استعمار، ثبات اقتصادی و سیاسی در آنها مفهوم خود را از دست داده اند و در برخی از آنها می توان به جرات گفت که دولت مشخصی وجود ندارد. گرچه کشورهای سرمایه داری عمده هیچ مسئولیتی در قبال وضعیت وخیم اقتصادی و اجتماعی حاکم بر آفریقا قبول نمی کنند، اما شرایط بسیار حاد و وخیم کشورهای فقیر آفریقایی و فشار افکار عمومی صنعتی سبب شده که کشورهای گروه ۸- در میانه تبلیغات پر سر و صدا هر ساله مسئله بخشودگی بدهی کشورهای فقرزده را در دستور کار اجلاس قرار دهند. اما این مشخص است که بدون یک کارزار وسیع جهانی که کشورهای اصلی سرمایه داری را مجبور به لغو بدهی ها و گردن نهادن به قوانین تجاری عادلانه تری بکند، فاجعه کنونی کشورهای فقر زده و تحمیل شرایط فلج کننده و ناقض استقلال آن ها ادامه خواهد یافت. در بیانیه ای که دو هفته پیش از اجلاس گروه ۸- و به مشابه زمینه ای برای بحث های آن توسط وزرای اقتصاد این کشورها تصویب شد، آمده است که «بدهی ۱۸ کشوری که هم اکنون به شرایط لازم «مرحله تکمیلی» این ابتکار رسیده اند، بلافاصله بخشیده خواهد شد. سایر کشورهای شدیداً بدهکار نیز، به شرطی که تعهدات خود را تحت این برنامه عملی سازند.... گسترش و تحول در شیوه حکومتی، کاهش فساد و تکمیل این برنامه با تعهد به انجام توصیه های صندوق بین المللی پول به منظور تصحیح سیاست های اقتصادی خود، مشمول چنین بخشودگی خواهند شد.» (به نقل از پایگاه اینترنتی - اطلاعاتی گروه ۸- ۱۱ ژوئن ۲۰۰۵) این بیانیه همچنین تاکید می کند که «برای این که تحولات اجتماعی و اقتصادی گسترش بیابد.. کشورهای رو به رشد باید سیاست هایی را برای رشد اقتصادی خود در نظر بگیرند.» از جمله این سیاست ها،

گسترش بخش خصوصی و جذب سرمایه هاست و دادن این اطمینان که تمامی موانع بر سر راه سرمایه های خصوصی، چه خارجی و چه داخلی، برداشته می شود.

تاکنون برخورد کشورهای سرمایه داری در رابطه با کمک به کشورهای فقر زده، متوجه در دست گرفتن کنترل اقتصادی- سیاسی آنان از طریق تحمیل برنامه های «تعدیل ساختاری» است. از هنری کیسینجر، وزیر خارجه پیشین آمریکا، نقل قول شده است که: «اینکه مردمی گرسنه هستند، دلیل کافی برای دادن غذا به آن ها نیست. باید یک توجیه سیاسی وجود داشته باشد.» و این به این معنا است که همه کمکی که توسط واشنگتن عرضه می شود، تاکنون با این هدف طراحی می شد که سود کشاورزان آمریکایی، شرکت های عمده و از جمله شرکت های تسلیحاتی را فراهم کند. این چنین برخوردی نمی تواند حلال مشکلات ریشه ای کشورهای فقر زده باشد. بخشیدگی بدون قید و شرط بدهی های کشورهای فقیر و مقروض جهان، بر داشتن موانع بر سر راه دسترسی کشورهای در حال توسعه به بازار های کشورهای صنعتی و عدم مداخله در سیستم سیاست گذاری این کشورها، از اولین قدم هایی است که می توان برای بهبود شرایط زندگی مردم این کشورها برداشت.

نیروهای مترقی معتقدند که نباید گذاشت که بخشودگی قرض های کشورهای فقر زده با تحمیل «تجارت آزاد» اثر خود را از دست بدهد. مادامی که قوانین تجارت جهانی توسط کشورهای ثروتمند و ساختارهای تحمیلی تحت کنترل آنان نظیر سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول و یا بانک جهانی تدوین می شوند، «تجارت آزاد» راه علاج کشورهای جهان سوم نیست. راه علاج اساسی برای فقر و عقب ماندگی طرح و ساختمان یک جایگزین کار آ برای سیستم غیرعادلانه و نابرابر کنونی است که تنها هدف آن کسب حداکثر سود، بدون هیچگونه توجهی به تبعات آن برای کشورهای در حال رشد، است.

«اعانه» نه، عدالت آری

آنچه کارزار امسال برای بخشودگی قرض های کشورهای فقر زده را متفاوت می کند، درک جدیدی است که در میان هماهنگ کنندگان آن به وجود آمده است. قبول اینکه مسئولیت فقر کشورهای آفریقایی به گردن کشورهای پیشرفته سرمایه داری است، و اینکه برای آن از طریق ایجاد جایگزین مناسب راه حل پایه ای وجود دارد، و اینکه قوانین حاکم بر تجارت جهانی باید تغییر اساسی کنند، پیشرفت مهمی برای جنبشی است که تا دیروز به «اعانه» بسنده می کرد.

به دعوت باب گلدوف خواننده و آهنگساز ایرلندی و از فعالان مبارزه با فقر که از مبتکران این کنسرت ها بود، قرار است یک میلیون نفر در شب قبل از اجلاس سران گروه ۸ که در میان ملاحظات امنیتی فوق العاده انجام می گیرد، در ادینبورو دست به تظاهرات صلح آمیزی بزنند. مبارزان ترقی خواه امیدوارند که این فعالیت ها سران گروه ۸ را مجبور کند که موضوع فقر و برخورد جدی با آن را در دستور کار اجلاس خود قرار دهند. آنچه اهمیت این کنسرت ها را بر جسته می کند این است که جمعیت حامی و شرکت کننده در آن همان نیروی بالقوه ای است که از قیام «سیاتل» در انتهای قرن بیستم به مبارزه برضد «جهانی شدن» سرمایه داری پیوسته است. گرچه باورهای سیاسی این توده وسیع انسانی دقیقاً شکل کلاسیک نگرفته و فقط حاضر است به شیوه و شعارهای خود، به مبارزه بر ضد بی عدالتی پردازد، در کنار ضعف های مشخص کارزار آنان، اهمیت تاریخی حضور شان در مبارزه سرنوشت ساز بر ضد نولیبرالیسم و «جهانی شدن» را نباید از نظر دور داشت.

بیایید فقر را به تاریخ بسپاریم

حمایت از فراخوان جهانی برای مبارزه با فقر!

جنبش جهانی برای لغو بدهی های غیر قابل پرداخت کشورهای فقیر زده آفریقا و تغییر پایه ای قوانین غیر عادلانه حاکم بر تجارت بین المللی، که عملاً یک جانبه و به نفع کشورهای ثروتمند است، در روزهای اخیر با بسیج تمامی گردان های مبارز خود، کارزار متنوع و موثری را سازمان داده است. در شروع این سلسله فعالیت ها در روز شنبه ۱۲ تیرماه ۲۰۰/۰۰۰ نفر در خیابان های ادینبورگ، پایتخت اسکاتلند، محل برگزاری اجلاس امسال سران کشورهای سرمایه داری پیشرفته، موسوم به گروه ۸ راه پیمایی کردند و در شعار های خود لغو بدهی ها و وضع قوانین عادلانه تری برای تجارت جهانی را خواستار شدند. این بزرگترین تظاهرات در تاریخ این شهر زیبا و تاریخی است. در همین روز ۱۰ کنسرت با شکوه که در ده شهر مختلف در چهار قاره جهان برگزار شد، میلیون ها تن از شهروندان که بخش چشم گیری از آنان جوانان زیر ۳۰ سال بودند، عرصه دیگری از مبارزه برای یک جهان بهتر را گشودند. در این کنسرت ها صد ها تن از معروفترین چهره های موسیقی و هنر جهان که معمولاً کاری به کار سیاست ندارند، و کمترین دردهای اجتماعی توجه نشان می دهند، در ابتکاری موفق فریاد مبارزه گران ترقی خواه برای ریشه کن کردن فقر را انعکاس دادند. شرکت کنندگان این گردهمایی های بی نظیر سران کشورهای سرمایه داری پیشرفته، موسوم به گروه ۸ را فرا خواندند که با لغو بدهی های کشورهای آفریقایی و تغییر قوانین و سیاست های حاکم بر تجارت جهانی، از مرگ تدریجی کشورهای آفریقایی جلوگیری کنند. این حقیقتی است که مبارزه برای ریشه کن کردن فقر و بر علیه قوانین غیر عادلانه حاکم بر تجارت جهانی اکنون یک مبارزه توده ای شده است. مبارزه ای که از کنار آن نمی توان بی تفاوت گذشت.

حضور با معنی کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل، نلسون ماندلا، رئیس جمهور پیشین آفریقای جنوبی، تابو مبیکی، رئیس جمهور کنونی آفریقای جنوبی، در کنار معروفترین چهره های صحنه هنر و ورزش پیام شرکت کنندگان این ابتکار توده ای وسیع تر کرده بود.

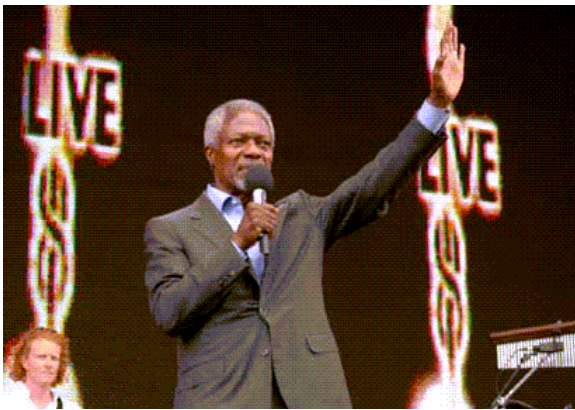
کنسرت های ده گانه در همه کشورهای گروه ۸، کلوپ اختصاصی سرمایه داری پیشرفته که اجلاس رهبران آن همه ساله در اول تابستان در یکی از این کشورها برگزار می شود، و همچنین در آفریقای جنوبی، از ژاپن در خاور دور آغاز و حدوداً ۲۴ ساعت بعد در فیلادلفیا در آمریکای شمالی به پایان رسید. بر پرچمی که دور تا دور صحنه غول پیکر محل اجرای برنامه در ژوهانسبورگ، آفریقای جنوبی، را پوشانده، نوشته شده بود: به فراخوان جهانی برای مبارزه با فقر ملحق شوید.

نلسون ماندلا با حضور در کنسرت در ژوهانسبورگ اعلام کرد که مادامی که فقر و گرسنگی هست، آفریقاییان نمی توانند آرام زندگی کنند. او در سخنانی مملو از احساس گفت: مادامی که فقر زق زق می کند، آزادی واقعی

را نخواهیم دهیم. اکنون فرصتی برای اقدام است. اکنون شما (رهبران گروه هشت) این قدرت را دارید که مانع از جنایت علیه بشریت شود.

وی رهبران گروه هشت کشور بزرگ سرمایه داری جهان را فرا خواند که فقر را به تاریخ بسپارند.

کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد در هایدپارک لندن خطاب به شرکت کنندگان گفت: شما سازمان ملل هستید. تمام جهان به نشانه همبستگی با تهیدستان گردهم آمده است. من از طرف افراد فقیر و افرادی که صدایشان را کسی نمی شنود، از شما تشکر می کنم.



ویل اسمیت، خواننده و بازیگر آمریکایی، در فیلادلفیا، پیام کنسرت های ابتکاری را بدین صورت جمع بندی کرد: ما همه متحد شده ایم. ما از هشت رهبر قدرتمند جهان می خواهیم به این تراژدی فقر پایان دهند.

در کنسرت هایدپارک «برد پیت»، بازیگر سرشناس هالیوود، گفت: «بگذارید از این به بعد، محل تولد ما تعیین کننده خوشبختی و یا فلاکت ما نباشد. ما در (غرب) در نهایت ناز و نعمت بزرگ شده ایم. جهان سوم را فراموش نکنیم. ما می توانیم نسلی باشیم که دنیا را عوض می کند.» او اضافه کرد: «تا این کنسرت به پایان برسد، ۳۰ هزار نفر در آفریقا جان باخته اند. فردا تا این موقع نیز ۳۰ هزار نفر دیگر از بین رفته اند. این مساله معقول نیست. ما به همین دلیل امشب به اینجا آمده ایم.»

ادامه در صفحه ۷

کمک های مالی رسیده

۱۰۰ دلار کانادا

رفیقی از اوتاوا

۲۵۰ دلار

بهرز

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 716

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

5 July 2005

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse بانک